





دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده الهیات

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته ادیان و عرفان

عنوان

حیات و مرگ از دیدگاه مولوی

استاد راهنما

دکتر مرضیه شنکایی

استاد مشاور

دکتر لیلا هوشنگی

دانشجو

زهرة حسانی

اسفند ۱۳۹۰

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به  
دانشگاه الزهرا(س) است.

تقدیم به:

به روح بلند عمومی عزیزم؛

که در راه علم، دور از دیار، غریبانه، قربانی حسد و کینه بدخواهان شد...

وبه بهترین داشته هایم؛

پدر و مادرم که عشق و شور زندگی کردن را هر لحظه در قلبم تازه می کنند و لذت و غرور

دانستن، عظمت رسیدن و تمام تجربه های یکتای زندگی را از آنها دارم...

با قدردانی و تشکر از

زحمات بی دریغ اساتید محترم خانم دکتر شنکایی و خانم دکتر هوشنگی و دیگر اساتید که بزرگوارانه با راهنمایی های خود راهگشای اینجانب بوده اند و همچنین از راهنمایی های دلسوزانه آقای دکتر سلیمانی که همواره مشوق بنده در ادامه تحصیل بوده و هستند کمال تشکر را دارم و از تمامی دوستانی که در تدوین این رساله مرا یاری نمودند تشکر می نمایم.

## چکیده

آنچه در این پژوهش مورد بحث قرار گرفته است، بررسی مسئله حیات و مرگ در مثنوی مولانا است. از نظر مولانا آنچه که باعث حیات حقیقی است صرف نفس کشیدن و تحرک داشتن نیست، حیات واقعی بهره بردن از زندگی دنیوی در راه رسیدن به کمال و نائل شدن به هدف والای انسانیت، وصول به حق است، که با تهذیب نفس امکان می‌یابد. اما کسانی که خود را محدود به لذت‌های زودگذر می‌کنند و هوا و هوس را خدای خود ساخته‌اند به حقیقت مرده‌اند و بهره‌ای از حیات ندارند. مولانا، ترس از مرگ را نمی‌پذیرد زیرا مرگ هرکس هم‌رنگ خود اوست و پلی است که باعث انتقال از این جهان به جان دیگر می‌شود.

**واژگان کلیدی:** مولانا، حیات و مرگ، مرگ ارادی، تولدثانی، قیامت

## فهرست مطالب

۱- فصل اول: کلیات.....	۱
1-1- مقدمه.....	Error! Bookmark not defined.
2-1- پرسش پژوهش و تبیین آن.....	Error! Bookmark not defined.
3-1- پرسش های فرعی پژوهش.....	Error! Bookmark not defined.
4-1- فرضیات پژوهش.....	Error! Bookmark not defined.
5-1- اهداف پژوهش و ضرورت آن.....	Error! Bookmark not defined.
6-1- پیشینه ی پژوهش.....	Error! Bookmark not defined.
7-1- تعاریف و چیستی حیات و مرگ.....	Error! Bookmark not defined.
2- فصل دوم: حیات و مرگ در اسلام.....	۹
1-2- مقدمه.....	Error! Bookmark not defined.
2-2- حیات و مرگ در قرآن.....	Error! Bookmark not defined.
3-2- حیات و مرگ از نظر عرفای مسلمان.....	Error! Bookmark not defined.
3-2-1- دیدگاه کلی عرفا درباره حیات و مرگ.....	Error! Bookmark not defined.

<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۲-۳-۲- حیات
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۱-۲-۳-۲- بقاء و تولد ثانی
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۳-۳-۲- مرگ
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۴-۲- قیامت از نظر عرفای مسلمان
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۱-۴-۲- قیامت معنوی
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۵-۲- جمع بندی
<b>۳- فصل سوم: حیات از دیدگاه مولوی</b> .....	۳۰
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۱-۳- مقدمه
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۲-۳- شرح حال مولوی
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۳-۳- اندیشه و بینش مولوی در آثارش
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۱-۳-۳- مهمترین اثر مولوی
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۳-۳- جهانبینی مولوی
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۱-۳-۳- خداشناسی
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۲-۳-۳- نظام هستی
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۳-۳-۳- جهان شناسی
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۴-۳-۳- انسان شناسی
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۴-۳- حیات از دیدگاه مولوی
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۵-۳- عوامل حیات معنوی
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۶-۳- حیات جاودان و جاودانگی
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۷-۳- ولادت ثانی
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۸-۳- حشر روحانی
<b>Error! Bookmark not defined.</b> .....	۹-۳- فضائل و امور ارزشمند در زندگی انسان



<b>Error! Bookmark not defined.</b>	۱۰-۳- رذایل و امور عاری از ارزش در زندگی انسان
<b>Error! Bookmark not defined.</b>	۱۱-۳- معنای زندگی دینی
<b>Error! Bookmark not defined.</b>	۱۲-۳- عالم
<b>Error! Bookmark not defined.</b>	۱۳-۳- جمع بندی
<b>۴- فصل چهارم: مرگ از دیدگاه مولوی.....۷۵</b>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b>	۱-۴- مرگ
<b>Error! Bookmark not defined.</b>	۱-۱-۴- مرگ ارادی یا اختیاری
<b>Error! Bookmark not defined.</b>	۲-۴- قاعده تجدد امثال ( نو به نو شدن و تغییر در هر لحظه)
<b>defined.</b>	
<b>Error! Bookmark not defined.</b>	۳-۴- اعمال و ارتباط آن با چگونگی مرگ
<b>Error! Bookmark not defined.</b>	۴-۴- ارتباط تکامل انسان با مرگ
<b>Error! Bookmark not defined.</b>	۵-۴- شهادت و زنده بودن شهداء
<b>Error! Bookmark not defined.</b>	۶-۴- حشر صفات و ملکات
<b>Error! Bookmark not defined.</b>	۷-۴- جمع بندی
<b>Error! Bookmark not defined.</b>	نتیجه گیری
<b>Error! Bookmark not defined.</b>	منابع و مأخذ

# فصل اول

## کلیات

## ۱-۱- مقدمه

بر اساس آموزه های وحیانی و عرفانی، انسان عوالمی را در قوس نزول یعنی عالم عقل، مثال و ماده پشت سر گذاشته و از عالم ملکوت به عالم ملک راه یافته است. در قوس صعود نیز باید عوالم ماده، مثال و عقل را بگذراند تا به قرارگاه حقیقی خویش راه یابد؛ از این رو انسان در سه عالم پیش از دنیا یا پیشین، عالم دنیا یا پسین و پس از دنیا یا واپسین دارای حیات متناسب با آن عوالم است و در هر عالمی دارای زندگی و مرگ هم سنخ با آنجاست.

به بیان دیگر ولادت و رحلت دارد و دارای اجل و زمان تعیین شده است که پس از به سر آمدن آن اجل مقدر رحل اقامت کرده و از آنجا به عالم دیگر کوچ می کند و این کوچیدن به مرگ تعبیر شده است؛ بنابراین مرگ آفریده شده و از نوع نیستی نسبی است و عامل حیات می

باشد. چنانکه انسان با مردن های تکوینی از جماد به نبات و از نبات به حیوان و از حیوان به انسان شدن راه یافته است. مولانا به زیبایی این حقیقت وجودی و تکامل تکوینی را در آثارش به تصویر کشیده است. پس مرگ برای انسان بیدار و بینا و رها شده از عالم ماده و طبیعت و راه یافته به معنا و ماورائ طبیعت معنای دیگری دارد زیرا آن عین حیات است. انسان در عالم دنیا و این حیات نیز مرگ را هر لحظه و هر آن تجربه می کند که چگونه مرگ او را از فضایی به فضای دیگر و از حیاتی به حیات دیگر هم از حیث جسمانی و هم روحانی منتقل می کند. به طور کلی عرفا مرگ را به دو نوع ارادی و اجباری تقسیم می کنند: الف) مرگ طبیعی یا اضطرابی که شامل همه موجودات می شود. ب) مرگ ارادی که در اثر معرفت و معنویت و تزکیه عقل و نفس در دو عرصه علم و عمل و با دو عنصر ایمان و عمل صالح دست می دهد. این مرگ خروج از عالم ظلمات به جهان نور و ملکوت هستی است. از طرف دیگر انسان ذاتا دارای میل به بقا و حیات ابدی است و این گرایش نیز جزئی از آهنگ کلی عالم هستی است، اما حیات طبیعی محض، نوعی زندگی حیوانی است که در آن افراد تنها به اشباع غرایز خود توجه دارند، کسانی که به این نوع زندگی دل بسته اند در پی به فعلیت در آوردن استعداد های وجودی خود نیستند. خودبینی، غرور و بی توجهی به فلسفه و هدف زندگی از ویژگی های این نوع حیات است. در مقابل این نوع زندگی، حیاتی وجود دارد که هدف اعلای آفرینش را پی می گیرد و فردی که از این حیات برخوردار است همه تلاش های خود را در مسیر هدف تکاملی حیات قرار می دهد؛ در این نوع حیات، مرگ به معنای فنا نیست بلکه انتقال از یک حیات به حیاتی دیگر است، یعنی از یک حیات محدود فناپذیر به حیاتی برتر و جاودان. این مفهوم حیات حقیقی مورد نظر عارفان است.

## 2-1- پرسش پژوهش و تبیین آن

دیدگاه مولوی نسبت به مرگ و حیات چیست؟

انسان موجودی است که میل به بقا دارد و این میل در فطرت انسان قرار دارد که او را بر آن می دارد تا با مرگ مبارزه کند چون مرگ برای افراد امر مجهولی است و یکی از عوامل ابهام آن، ابهام در مسئله حیات است. اما اوج نگاه مثبت راجع به این موضوع را می توان در اشعار مولوی یافت برخلاف خیام یا بعضی عرفای دیگر که نگاهی منفی دارند. از دید مولوی با اعتقاد

به حیات ابدی است که می توان مرگ را پل انتقالی از یک عالم به عالم دیگر دانست. از دیدگاه او فرد باید قبل از موت طبیعی، در همین دنیا با قمع و سرکوبی نفس اماره به حیات واقعی برسد. انسان در سایه مرگ اختیاری که مردن از اوصاف بشری است می تواند در این زندگی از قید دلبستگی های مادی آزاد گردد و حیات جاودان را که عبارت از کشتن نفس اماره، عشق ورزیدن به معشوق لایزال و فنا فی الله است تجربه می کند.

### ۱-۳- پرسش های فرعی پژوهش

الف- مفهوم حیات و مرگ از دیدگاه اسلام چیست؟

ب- مفهوم حیات از نظر مولانا چیست؟

ج- مفهوم مرگ از دیدگاه مولوی چیست؟

### ۱-۴- فرضیات پژوهش

الف- اصرار و تاکید اسلام بر چگونه زیستن و آمادگی انسان برای حیات دیگر در طول دوره زندگی در این دنیا و تفکر مداوم در مورد مرگ اهمیت این مسئله را در دین مبین روشن می سازد. تذکر و یادآوری قرآن و احادیث در مورد از بین رفتن و نابود نشدن اعمال و شیوه زندگی در این دنیا و تاثیر مستقیم آن بر سعادت اخروی ما را به این مهم رهنمون می سازد که زندگی و مرگ تاثیر متقابل بر روی هم دارند.

ب- مولانا براین باور است از آنجا که حیات و بخشنده حیات فقط خداست، هر نوع غفلت و دوری از خدا به مثابه مرگ است؛ پس تمام کوشش های انسانی باید صرف آن شود که به خدا برسد تا زنده بماند زیرا زندگی فقط او و در اوست و غیر از او و خارج از او هر چه هست فانی است. مولوی بیشتر برای بازگشت روح به اصل خود تعلیم می دهد. غایت و مقصود روح انسانی اینست که به پروردگار خود برسد و همین کشش و کوشش کمال حیات و شرف آدمی است. ج- در اندیشه مولوی، مرگ، دگرگونی حالت است و نه از بین رفتن وجود. سرچشمه افکار مولوی، قرآن است که می آموزد " انا لله و انا الیه راجعون ". او در کمال جسارت مرگ را به

سوی خود می‌خواند؛ زیرا به خوبی دریافته که نه تنها از مرگ نمی‌میرد بلکه جان جاودان خواهد یافت.<sup>۱</sup>

#### ۱-۵- اهداف پژوهش و ضرورت آن

از آنجا که مرگ و حیات دو مقوله اساسی زندگی انسانها هستند، رسیدن به شناخت و نگاهی جامع نسبت به این دو، بشر را در شناخت کامل خود و جهان و نایل شدن به جایگاه واقعی انسانیت در نظام هستی یاری می‌دهد. از سویی با توجه به اینکه این دو موضوع در کلام و نگاه بزرگان از جمله مولوی مورد بررسی و موشکافی دقیق قرار گرفته است، لازم است دیدگاه این بزرگان در این زمینه برای شناساندن کامل مرگ و حیات به انسان، مورد توجه قرار گیرد. همچنین با توجه به دیدگاه مثبت مولوی نسبت به این مسئله و اهمیت شناخت این دیدگاه در تکامل زندگی دنیوی و سعادت اخروی برآنیم تا در این پژوهش دیدگاه مولوی را به خوبی بررسی نماییم به این امید که راهگشای راه اهل دانش و پژوهشگران قرار گیرد.

#### ۱-۶- پیشینه‌ی پژوهش

- تا کنون به دو مقوله مرگ و حیات توأمآ، از دیدگاه مولوی پژوهش‌های مبسوطی صورت نگرفته است. برخی از پژوهش‌ها عبارتند از: مقاله "مرگ در نظر مولوی" که دکتر سید محمد اکرم، در مجله یغما به شماره ۳۴۹ در سال ۱۳۵۶ به نگارش درآورده است. پژوهشگر به روشنی دیدگاه مثبت مولوی راجع به مرگ را تاکید کرده است اما به دیدگاه مولوی راجع به زندگی و حیات هیچ گونه مطلبی آورده نشده است. وی در قسمتی از این مقاله نوشته: نظریه مولوی اگرچه مانند نظریه داروین دقیق نیست ولی از آن جامع‌تر و کامل‌تر است زیرا به عقیده داروین سیر حیات از مرحله انسانی جلوتر نرفته است در صورتی که مولوی سیر حیات را به مراتب بالاتر یعنی لاهوت رسانده و آن را جاودانی و نامتناهی ساخته است. اما به نظر می‌رسد مقایسه داروین و مولوی نادرست است زیرا مولوی تمامی اندیشه‌های خود را که در مثنوی آورده از قرآن اخذ کرده، بنابراین مطمئناً نظریه مولوی از هر جهاتی بر داروین برتری دارد.

---

۱- پژوهان، مرضیه، "زندگی و مرگ در نگاه مولانا"، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ش ۹۵، ص ۹۴، ۱۳۸۴

- پایان‌نامه‌ای با موضوع « تلقی عارفان از مرگ، مرگ در عالم مثنوی» که در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه تربیت معلم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی توسط غلامرضا صمدیانی نوشته شده است. پژوهشگر در فصل اول به بررسی نگرش‌های مختلف درباره مرگ از جمله دیدگاه اساطیر ایرانی و حکیمان یونان و بودایی پرداخته و در آخر نظریات متفکران و فیلسوفان اسلامی را مورد توجه قرار داده است. در فصل دوم چگونگی مرگ در آثار عرفا را بررسی کرده است و در فصل سوم؛ به شهادت و انواع مرگ پرداخته است و در فصل چهارم، کشته شدن و مرگ حیوانات و حیات مردگان در آخرت را مورد توجه قرار داده است. به نظر می‌رسد نویسنده توجه چندانی به موضوع پایان‌نامه خود نداشته و بیشتر به حاشیه پرداخته است چون دیدگاه مولانا در این باب بسیار کم مورد استفاده قرار گرفته است.

- کتابی به نام « معنای زندگی از نگاه مولانا و اقبال» تالیف نذیر قیصر با ترجمه محمد بقایی در سال ۱۳۸۹ به رشته تحریر درآمده است. کتاب ۵ فصل دارد. مولف در فصل اول از ماهیت تکامل، آزادی و جاودانگی خودی آدمی سخن گفته است. در فصل دوم زندگی دینی از منظر مابعدالطبیعی مورد بحث قرار می‌گیرد. در فصل سوم روح راستین زندگی دینی نشان داده می‌شود و به این موضوع که عشق مبنای دین است، می‌پردازد. در فصل چهارم زندگی دینی به اوج می‌رسد و از انسان کامل سخن گفته می‌شود. و در فصل آخر به مقایسه بین دوشخصیت مولوی و اقبال پرداخته می‌شود.

#### ۷-۱- تعاریف و چیستی حیات و مرگ

درباره پدیده مرگ و زندگی بسیاری از شاعران و عرفا اظهار نظر کرده‌اند و بحث‌های گوناگونی پیرامون این مسئله در آثار خود برجای گذاشته‌اند. در مورد وصف عرفی مرگ، اینکه مرگ چیست؟ چرا می‌میریم؟ سرگذشت روح پس از مرگ چه می‌شود و...

اگر بشود چیزی را با ضدش معرفی کرد باید گفت که: مرگ پایان زندگی دنیوی است. حیات طبیعی انسان را یکسره از بین می‌برد و چراغ فروزان زندگی او را خاموش می‌سازد. از این طریق مرگ با حمله ناگهانی خود روح انسان را همواره تحت فشار و اندوه عمیق قرار داده و او را مغلوب خوف و هراس شدید خود ساخته است. به همین سبب اغلب افکار و کوشش‌های انسانی برای دفاع از خود در برابر مرگ، پیدا کردن راهی برای نجات از این بلا می‌باشد. این تعریف در عین سادگی، واقعی‌ترین تعریف مرگ است. اما از این تعریف چیزی که می‌فهمیم آن

است که مرگ زندگی را به پایان می‌رساند ولی در مورد خود مرگ و دنیایی که با مرگ آغاز می‌شود چیزی بدست نمی‌آید.<sup>۱</sup>

اما وصف مرگ به همین جا ختم نمی‌شود، وجود انسان از جسم و روح ترکیب یافته است به طوری که اجزای جسمانی طی زمانی از بین می‌رود ولی روح که الهی است وحدتی تحلیل ناپذیر و جاودانی است که باید ترک علایق مادی نموده به اصل خود رجوع کند و برای رسیدن به عالم اعلی کوشش کند. قرآن این کوشش انسان را به اعمال نیک تعبیر کرده و فرصت این کوشش را زندگی نامیده است: «خلق الموت و الحیاه لیلوکم احسن عملاً»<sup>۲</sup>. بنابراین زندگی فرصتی است برای عمل اعم از اینکه خوب باشد یا بد؛ و از آنجایی که حیات و بخشنده حیات فقط خداست لذا هر نوع غفلت و دوری از خدا مرگ است. پس تمام کوشش‌های انسان باید صرف آن شود که به خدا برسد تا زنده بماند. زیرا زندگی فقط او و در اوست و غیر از او و خارج از او هر چه است فانی است. چنانکه می‌فرماید: «کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام»<sup>۳</sup>.

ترس از مرگ کاملاً طبیعی است چنانکه عشق و دل بستگی به زندگی کاملاً طبیعی است. کاستی‌ها و بیماری‌ها نیز وقتی مخوف و ترسناک می‌شوند که ما را در معرض مرگ قرار دهند. ترس از مرگ علل و جهات مختلفی دارد که به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم: الف) عشق به زندگی: همه ما قبول داریم که نظام ادراکی ما یعنی هوش و حواس انسان بر محور حیات دنیوی تنظیم شده‌اند و تا وقتی که از هوش و حواس بهره‌مندیم حیات دنیوی و لذا یذ آن ارج و منزلت خود را از دست نمی‌دهد، زیرا عشق به زندگی و حیات، عشقی غریزی و نهادی است. ب) دست نیافتن به آرزوها و اهداف: بسیاری از افراد دلیل خود را برای گریز از مرگ در این دانسته‌اند که مرگ مانع تحقق هدفهاست چون هر آرزویی ممکن است با حلول مرگ بر باد رود. ج) کیفیت مرگ: که به معنی ترس از چگونگی مرگ است. این چگونگی گاهی به خود مرگ مربوط است و گاهی به شرایط و موقعیت مرگ. د) حوادث پس از مرگ: قسمتی از این

---

۱- یثربی، یحیی، "مرگ و مرگ اندیشی" مجله قسبات، ش ۱۹، ص ۱۱۱، ۱۳۸۲

۱- ملک آیه ۲

۲- الرحمن آیه ۲۶

۳- اکرم، محمد، "مرگ در نظر مولوی"، مجله یغما، ش ۳۴۹، ص ۴۲۶، ۱۳۵۶



حوادث مربوط به دنیا است از قبیل بی سرپرست ماندن کودکان، ازدواج همسران و...؛ قسمت دیگر مربوط به آن دنیا است مانند عذاب قبر و مشکلات حساب و کتاب اخروی.

اما به نظر می‌رسد مرگ اندیشی تنها عامل رهایی از دنیازدگی و روزمرگی است. ائمه معصومین و بزرگان ما نیز برای پیشگیری از دنیا زدگی پیروان خود را به تفکر در مرگ راهنمایی کرده‌اند. مرگ پایان زندگی نیست و انسان یا مرگ اندیشی، به حیات جاودانه پس از مرگ پی می‌برد و می‌داند که حیات، با اوصاف و شرایط سعادت و شقاوت پس از مرگ ادامه دارد. حیات اخروی علاوه بر خوشبختی و بدبختی، جاودانه هم می‌باشد و لذا باید بیشتر از حیات دنیوی مورد توجه قرار گیرد. ولی این مرگ اندیشی و تجربه آن به معنای نفی حیات و کنار گذاشتن نعمت زندگی و استفاده کامل از آن نیست؛ همانطور که در قرآن در تعدادی از آیات از نعمت حیات و زنده بودن سخن به میان رفته و خداوند انسانها را به مسئول بودن در مقابل حیات و کیفیت زندگی آگاه کرده است.

با اندکی دقت میتوان دریافت هدفی که هر انسانی برای زندگی خود در نظر می‌گیرد تمام زندگی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و به تعبیر دیگر به زندگی ما جهت و معنا میبخشد. کسانی هستند که به علت سرگرم شدن به ظواهر دنیوی به چیزی جز آن نمی‌اندیشند. دسته‌ای دیگر، هدفهای مادی و غریزی نتوانسته آنها را راضی و خشنود کند و از طرفی هم نتوانسته‌اند به بعد متعالی حیات دست یابند؛ زیرا هدف نهایی زندگی انسان را لابه لای حیات مادی جستجو نموده‌اند. اما دسته سوم کسانی‌اند که گام فراتر نهاده با بعد متعالی حیات آشنا شده‌اند. قرآن نیز هدف حیات و خلقت را عبادت معرفی کرده است یعنی آنچه که در زندگی با نیت خالص برای خدا انجام می‌گیرد. که از طریق این زندگی دنیوی باعث تکامل روحی انسان می‌شود. در پایان میتوان نتیجه گیری کرد که نجات انسان از خسران عظیم و رسیدن به حیات طیبه و تقرب به خداوند، به دست خود انسان و در همین زندگی دنیوی صورت می‌گیرد.

## فصل دوم

### مرگ و حیات در اسلام

## ۲-۱- مقدمه

انسان از لحظه شناخت خود و جهان خواسته بداند از کجا آمده و به کجا می‌رود. اندیشه گذر از این جهان همچون گردش روز و شب و تغییر فصول بر دل و جاننش سایه افکنده که نه راه قرار در آن را دانسته و نه راه فرار از آن را؛ پس برای رسیدن به پاسخ درست در مورد حیات و مرگ که همواره ذهن کاوشگر آدمی را به خود مشغول داشته است به سراغ ادیان الهی رفته و از آنچه پیامبران و مصلحان دینی در این باره آورده اند بهره گرفته است.<sup>۱</sup>

زندگی و مرگ همواره از آغاز در کانون آثار برجسته هنر و ادبیات جهان بوده است. شگفتی ندارد اگر نخستین کتابی که از تمدنهای بزرگ باستان بدست ما رسیده است، کتاب مردگان مصر، و نخستین افسانه، افسانه گیل گمش بابل باشد که در تلاش و تکاپو برای یافتن گیاه جوانی و زندگی جاودانی بود، و کهن ترین هراس یا آرزویی که از انسان آن روزگاران شناخته ایم، هراس از مرگ و آرزوی جاودانگی و حیات جاودان باشد. پس می توان درک کرد که چرا

---

۱- سیف، عبدالرضا، "زندگی جاوید در مثنوی حدیقه الحقیقه و مثنوی معنوی" مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه

اساسی ترین هدف زندگی، در اندیشه ادیان شرقی مانند هند و بودا، دستیابی به نیروانا و موکشا، رسیدن به خلا<sup>۱</sup> و صلح ابدی رهاننده بود و یا مرگ در کیش مانی نیز، آرزوی فرد پارسا و دروازه ورود به باغهای روشنائی تلقی می شد. اما در نگاه عرفای بزرگ شرق و در زندگی گریز، جز این بوده است. عمری فنا پذیر که "پنج روز وشش" باشد مورد نکوهش، و مرگی که زندگی جاودانه است مورد ستایش قرار میگیرد. چنانچه خواهیم دید، در نگاه مولوی، هستی انسان از آغاز تا انجام در معرض ولادت و مرگی مستمر قرار دارد. در نگاه غزالی، با مرگ بودن وزیستن<sup>۲</sup> اصل همه سعادت هاست" و برای حکیم سنایی، زندگی، همه سفر مرگ است.

در اسلام تاکید زیادی بر استفاده صحیح از عمر و مغتنم شمردن وقت در این دنیا شده است. همچنین در جای جای قرآن کریم به موضوع حیات و مرگ اشاره شده و آیه های بسیاری دال بر کیفیت و چگونگی حیات در این جهان مادی وجود دارد.<sup>۲</sup>

همچنین اصل ایمان به مرگ، زندگی جاوید، و حیات اخروی یکی از اصول جهان بینی اسلامی است که از ارکان ایمانی و اعتقادی است و شرط مسلمانی می باشد و هرکس که آن را انکار کند از زمره مسلمانی خارج است. پیامبران الهی و از جمله پیامبر اسلام، پس از امر توحید، این اصل را به مردم متذکر شده اند که در اصطلاح متکلمان اسلامی به نام اصل "معاد" معروف شده است. نتیجه اعمال ما در آخرت بستگی به عمل و نیت ما در این دنیا دارد. کیفیت زندگانی انسان و کارهایی که در طول عمرش در این دنیا انجام می دهد از بین نمی رود و نابود نمی شود؛ بلکه در دوره دوم (حیات پس از مرگ) به حساب آنها رسیدگی می شود و سعادت ما به همین دنیا بستگی دارد. در احادیث و روایات منقول از معصومین نیز بر مسئله کیفیت حیات و چگونه زیستن یک مسلمان تاکید بسیار شده است تا آنجا که احادیث فراوانی در مورد آداب و اعمال روزمره (خواب، بیداری، غذاخوردن و نکاح و...) و ادعیه سفارش شده در ساعات مختلف شبانه روز وارد شده است که همگی نشان دهنده اهمیت مسئله کیفیت حیات از دیدگاه اسلام می باشد.

---

2- sonyata

تهران، ش ۱۶۴، صص ۱۸۳-۱۳۸۱، ۱۸۴  
۱- لیل آیه ۱۳ و ضحی آیه ۱۴